میلیارد مترمکعب گاز صادرشـده شـاید کمتر از صد شغل مستقیم ایجاد کند، اما اگر همان مقدار گاز در زنجیره تولید داخلی مصرف شـود، می‌تواند هزاران فرصت شغلی جدید در بخش‌های مختلف اقتصادی به وجود آورد.»

باباخانی به کشـورهای منطقه اشاره کرد و گفت: «قطر در همان میدان مشترک پارس جنوبی، با استفاده از فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی، توانسـت با راه‌اندازی پروژه‌های عظیم LNG به یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان بدل شود. قطر ابتدا از مسـیر صادرات مستقیم گاز درآمد کلان کسـب کرد، سـپس با همان پول صنایع پتروشـیمی خود را توسـعه داد. امروز قطر هم صادرکننده LNG اسـت و هم تولیدکننده بزرگ پلیمر و آمونیاک. عربسـتان سـعودی اما مسـیر متفاوتی رفت، گاز خود را صادر نکرد بلکه در اختیار شـرکت‌های داخلی مانند سـابیک (SABIC) گذاشت تا بزرگ‌ترین صنعت پتروشیمی جهان را بسازد. امروز عربستان به جـای فروش گاز، صادرکننده پلی‌اتیلـن، متانول، اوره و سـوخت‌های شیمیایی است؛ صنعتی که نه‌تنها میلیاردها دلار درآمـد دارد، بلکه پایه اشـتغال و فناوری کشـور را هم تشکیل می‌دهد.»

او افـزود: «ترکمنسـتان، با وجود وابسـتگی زیاد به چین در صـادرات گاز، در سـال‌های اخیـر بخشـی از گاز خود را صـرف سـاخت کارخانه‌هـای اوره، آمونیـاک و حتی بنزین سـنتتیک (GTL) کرده تا وابستگی به یک خریدار را کاهش دهد. در واقع عشـق‌آباد فهمیده است که صادرات محصول انعطاف‌پذیرتر و امن‌تر از صادرات خط لوله‌ای است. عمان نیز الگوی هوشمندانه‌ای دارد؛ هم LNG صادر می‌کند، هم گاز را به کود و متانول تبدیل می‌کند. در زمسـتانی که ایران دچار کمبود گاز شد، عمان با ظرفیت ذخیره خود توانست صادرات متانول به چین را افزایش دهد و جای ایران را پر کند.»

باباخانی گفت: «در کشـورهای موفق، سیاسـت گاز بر پایه «توازن» شکل گرفته اسـت. قطر ابتدا درآمد صادراتی را برای توسـعه داخلی صرف کرد. عربسـتان ابتدا صنایع داخلی را ساخت و بعد به فکر صادرات افتاد. اما در ایران هر بار یکی قربانی دیگری شده است، وقتی صادرات گاز رشد می‌کند، صنایع داخلی با کمبود خوراک روبه‌رو می‌شـوند و وقتی اولویت به پتروشـیمی داده می‌شود صادرات کاهش می‌یابد و دولت از درآمد ارزی فوری محروم می‌شود. این در حالی است که راه سـوم نیز وجود دارد و آن افزایش تولید و بهینه‌سازی مصرف داخلی است.»

این کارشناس عنوان کرد: «اگر افت فشار میادین گازی جبران شود و شـدت مصرف در بخش خانگی و نیروگاهی کاهش یابد، ایران می‌تواند هـم خوراک پایدار برای صنایع داشته باشـد و هم صادرات مطمئن انجام دهد. اما در نبود اصلاح سـاختار و سـرمایه‌گذاری، هر دو بخـش در رقابت ناسالم برای گاز محدود گرفتارند.»

باباخانـی گفـت: «نتیجه این پرسـش «گاز بفروشـیم یا بسـازیم؟» پاسـخی مطلق ندارد، اما یک جهت روشن دارد؛ فـروش گاز، درآمـد فـوری می‌دهـد امـا سـاختن آن ثروت پایدار می‌سـازد. در شـرایط عادی و بـدون تحریم، بی‌تردید پتروشـیمی و ارزش افزوده داخلی گزینه برنده‌اند. در شرایط تحریم و کمبود سـرمایه، شـاید صادرات مستقیم گاز توجیه کوتاه‌مدتی داشته باشد. اما در هر دو حالت، غفلت از سیاست صنعتی و عدم تـوازن در مصرف و تولید، آینـده انرژی ایران را فرسـوده می‌کند. راه نجات، نه در فروش سریع‌تر گاز بلکه در هوشـمندانه‌تر مصرف کردن آن اسـت. به‌جای آنکه گاز را بسوزانیم یا ارزان بفروشیم، باید از آن صنعت، اشتغال و امنیت اقتصادی بسازیم. به تعبیر روشن‌تر؛ گاز ایران اگر فقط فروخته شود، دلار می‌آورد اما اگر ساخته شود، آینده را.»

صادرات گاز راهبرد منطقی نیست

میثم فتحی‌محب، کارشـناس حوزه پتروشـیمی نیز در گفت‌وگو بـا «هم‌میهن» دربـاره این سـوال اصلی که بین صـادرات نفت خام و یـا تولید ارزش افزوده، کـدام روش را انتخـاب کنیم؟ گفت: «به نظـر من مفهوم گاز خـام و گاز نیمه‌خام و یا محصول نهایی، شاید به غلط در صنعت کشور ما جا افتاده است. به صورت کلی گاز یک ماده و انرژی است که به هر دو صورت می‌تواند استفاده شود و در کل یک کالای راهبردی برای صادرات است و مصارف مختلفی دارد.»

او افـزود: «ایـران در حـال حاضر سـومین تولیدکننده گاز بعد از آمریکا و روسـیه اسـت اما برای سبد مصارف گاز طراحی درسـتی نکرده‌ایم. در اواسط دهه هفتاد که میدان بزرگ پارس جنوبی کشف شـد، حجم بزرگی از گاز حاصل شد و سیاست را بر مبانی مصرف گاز گذاشتیم تا بیشترین اسـتفاده را از این میدان گازی داشته باشیم. سیاست کلی ما می‌گفت در راستای ایجاد ارزش افزوده بر روی گاز، توسعه صنعتی و توسعه پتروشیمی داشته باشیم که درست هم بود اما برنامه‌ها و سیاسـت‌های صنعتی بعدی خیلی متناسب نبود و با سیاست کلی همپوشانی نداشت.»

این کارشـناس عنوان کرد: «یکی از کارهایی که انجام دادیم این بود که کل انتقال انرژی را مبتنی بر گاز طراحی کنیم و به تمام سـطح کشور گازکشـی کردیم و این اتفاق باعث شـد بخش عظیمی از گازی که استحلال می‌کنیم در شبکه خانگی استفاده شود و این شبکه و شبکه تجاری و صنایع کشـور به گاز طبیعی وابسته شوند و سبد سوخت کشـور متنوع نباشـد و از هیچ سـوخت دیگری استفاده نکنند. این مسئله باعث شـده اگر اتفاقی برای شبکه گاز کشـور رخ دهد و یا میدان پارس جنوبی دچار افت فشـار شـود و یا حتی در فصل سرد سـال میزان مصرف گاز زیاد شود دچار ناترازی شویم.»

میثم فتحی‌محب
کارشناس حوزه پتروشیمی:

عراق کشوری است که صاحب مناطق نفتی است و در صورتی که توسعه پیدا کند خیلی راحت می‌تواند سبد انرژی خود را تغییر دهد. از طرف دیگر کشورهایی مانند ترکیه، سبد انرژی متنوعی که مبتنی بر بازار است دارند و در مواقعی که گاز ارزان باشد آن را وارد می‌کنند

فتحی‌محب گفت: «در این شـرایط صنایـع انرژی‌بر ما مثل صنایع و فولاد و سـیمان و یا صنایع پتروشـیمی که از گاز به صورت ماده برای تولید محصول اسـتفاده می‌کنند، دچار کمبود شـده و شاید در فصول سرد، گازی برای تولید محصول در اختیار نداشته باشند. اتفاقاً به نظر من صنعت گاز در کشور هم در بخش پتروشیمی و هم در بخش صنایع خیلی خوب توسـعه داده شده اسـت اما مشکل اصلی ما نداشتن تنوع سبد سوخت و انرژی در بخش‌های خانگی و تجاری است.»

او در مورد صادرات گاز نیز عنوان کرد: «مشکل این است که ما در منطقه مشتری برای صادرات گاز نداریم. بحثی به عنوان هاب گازی منطقه مطرح اسـت که بـه ظاهر دور از عقل اسـت، ما در منطقه‌ای قرار داریم که بیشتر کشورهای آن دارای نفت و گاز هسـتند و سـبد انرژی متنوعی دارند و نمی‌توانیم در طول سالیان سال و به صورت پایدار به آنها گاز صادر کنیم و به خودمان وابسـته کنیم. عراق کشوری است که صاحب مناطق نفتی اسـت و در صورتی که توسعه پیدا کند خیلی راحت می‌تواند سبد انرژی خود را تغییر دهد. از طرف دیگر کشورهایی مانند ترکیه، سبد انرژی متنوعی که مبتنی بر بازار است دارند و در مواقعی که گاز ارزان باشد آن را وارد می‌کنند و اگر گازوئیل ارزان باشـد آن را وارد می‌کنند و اینگونه می‌توانند از طریق کشورهای مختلف انرژی خود را تامین کنند.»

این کارشـناس حوزه پتروشیمی، افزود: «در این شرایط می‌توان گفت که صادرات گاز برای کشور ما راهبرد منطقی نیست و خیلی راحت می‌توانستیم مثلاً از گازی که به عراق صادر می‌کنیـم برق تولید کرده و آن را به این کشـور صادر می‌کردیم که اینگونه وابستگی آنها به ما چند برابر می‌شد.»

او همچنین درباره اینکه چه محصولات فرآوری‌شـده‌ای را می‌توانیم صادر کنیم، گفت: «بخشـی از آن محصولاتی است که از گاز به عنوان انرژی استفاده می‌شود مانند فولاد و سـیمان، که آن را هم بسـته با اقتصادشـان باید سنجید و قیمت مناسـبی بـرای گاز آنها تعیین کرد. بخشـی دیگر نیـز صادرات به عنـوان ماده اسـت که وارد زنجیـره ارزش پتروشیمی می‌شود. در این زنجیره دو محصول گازپایه یعنی آمونیاک و متانول را داریم که بخش آمونیاک مستقیم به اوره تبدیل و صادر می‌شـود و بخش متانول نیز مسـتقیم صادر می‌شـود. اگر بخواهیم برای متانول ارزش افزوده بیشتری در نظر بگیریم بـرای بازار ما خیلی توجیه اقتصادی ندارد و توسعه آن صرفه ندارد به همین دلیل آن را صادر می‌کنیم.»

فتحی‌محب عنوان کرد: «اوره نیز زنجیره ندارد و محصول نهایی محسوب می‌شود و وارد زمین‌های کشاورزی می‌شود. به همین دلیل این دو محصول را صادر می‌کنیم و می‌توانیم آنها را به عنوان صادرات مجازی گاز درنظر بگیریم که اتفاقاً ارزش افـزوده خوبی برای کشـور ایجاد می‌کنـد. در حال حاضر صـادرات متانول ۲/۲ میلیارد دلار در سـال برای ما ارزش افـزوده دارد و صادرات اوره نیـز ۱/۵ میلیارد دلار در سـال برای ما درآمد ارزی ایجاد می‌کند که این درآمد ارزی متناسب با صندوق‌های بازنشستگی که صاحب متانول‌ها و اوره کشور هستند و حقوق بازنشستگی پدر و مادرهای ما را تامین می‌کند؛ کشـور اینگونه اداره می‌شود. نزدیک به ۴ میلیارد دلار از این مسـیر تامین می‌شود که حدود ۴ درصد درآمد ارزی کل کشور است.»

او در پاسـخ به این پرسـش که آیا زیرساخت‌هایی وجود دارد کـه بتوانیم ارزش افزوده خـود را از صنعت گاز افزایش دهیم؟ گفت: «برای بیشـتر شـدن زیرسـاخت‌ها امکانات نداریم، اگر بخواهیم بیشتر تولید کنیم اولاً گاز نداریم، چون دچار ناترازی گاز هسـتیم و میـدان گازی پارس جنوبی در حال افت فشـار اسـت و باید پروژه افت فشار را شروع کنیم و توسـعه میدان جدید دهیم؛ پس منطقی نیسـت در این شرایط نه‌تنها باید همان پتروشیمی‌ها را توسعه دهیم بلکه باید سـراغ پتروشـیمی‌های دیگر زنجیره ارزش مخصوصاً خوراک مایع و دیگر خوراک گازها مانند اتان برویم. از طرفی گازی که می‌توانیم بـر روی آن ارزش افزوده ایجاد کنیم در داخل کشـور بـه صورت مصـرف بخش خانگـی و صنایع غیرعمـده هدر مـی‌رود و باید در این بخش‌هـا بهره‌وری را افزایش دهیم.»

ایـن کارشـناس افـزود: «ایـن بـه آن معنا نیسـت که مردم مصرف نکنند؛ حتی بخشـی از مسـائل مثل شبکه سوخت‌رسانی در دسـت مردم نیست که باید بهره‌وری آنها بیشتر شـود، در کنار آن باید به سبد انرژی کشور تنوع داد یعنی سـوخت‌های جایگزین مثل نفت سـفید وارد شبکه انرژی کشور شود که بیشتر بخش‌های صنعتی می‌توانند از آن استفاده کنند که در کشورهای بزرگ دنیا مثل ژاپن، آلمان و آمریکا این اتفاق افتاده اسـت. باید این تنوع‌بخشی ایجاد شود تا یک سبد انرژی پایداری داشته باشیم تا بتوانیم ارزش افزوده خوبی برای کشور ایجاد کنیم.»

شرکت انتقال گاز ایران
منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده (شماره: ۸۷۱۳۰۰۴۷)

نوبت دوم

۱- کد فراخوان در پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: ۵۳۲۰۲۹۹۵
۲- شماره فراخوان در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۴۰۹۱۵۹۲۰۰۰۰۲۸
۳- موضوع: تجدید مناقصه خرید ۸۰ عدد شیر پلاگ سایز ۲ الی ۱۶ اینچ با ارزیابی ساده تقاضای شماره ۴۵۷۱۸۰۲۰۹۳ به مدت ۹ ماه تقویمی
۴- نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت انتقال گاز ایران (منطقه ۸ عملیات انتقال گاز) / تبریز، کیلومتر ۱۵ جاده آذرشهر
۵- میزان و نوع تضمین شـرکت درفرآیند ارجاع کار: ۴/۹۸۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال مطابق بند الف ماده ۵ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی (تصویب نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲) در وجه شرکت انتقال گاز ایران، منطقه ۸ عملیات انتقال گاز)
۶-آخرین مهلت دانلود (دریافت) اسناد مناقصه و فرمها: روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ ساعت ۱۰:۰۰
۷ - آخرین مهلت بارگذاری (عودت) اسناد مناقصه و فرمها: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ ساعت ۱۱:۰۰
۸- زمان گشایش پاکات: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ ساعت ۱۰:۰۰ اتاق کمیسیون مناقصات.
۹- پیش پرداخت: ۲۵ درصد قیمت پیشنهادی
جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی www.nigcdist8.ir مراجعه فرمایید.
شناسه آگهی: ۲۰۴۴۰۳۵

روابط عمومی منطقه ۸ عملیات انتقال گاز

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به شماره ۴۰۴/۲۱
خدمات حراست و نگهبانی از تأسیسات و اماکن در منطقه عملیاتی چشمه‌خوش
شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۱۸۶۳۰۰۰۰۳۳

شناسه آگهی: ۲۰۴۷۷۸۴
نوبت اول

شرکت بهره برداری نفت و گاز غرب در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی خدمات حراست و نگهبانی از تأسیسات و اماکن در منطقه عملیاتی چشمه خوش به شرح مندرج در کتابچه را ازطریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت وتحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوت نامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه و بارگذاری اسناد مناقصه محقق سازند. همچنین بارگذاری اسناد مناقصه می‌بایست از طریق نرم افزار امضای دیجیتال سامانه ستاد صورت گیرد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی همزمان با فرآیند ارزیابی کیفی و این فراخوان از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
۱. مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه: ساعت ۰۸:۳۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
۲. مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی و پاکات پیشنهاد: تا ساعت ۰۹:۰۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰. پاکات ارزیابی کیفی در زمان مذکور در محل سالن جلسات کمیسیون در ستاد کرمانشاه و از طریق سامانه ستاد گشایش خواهد شد. لازم به ذکر است که پاکت پیشنهاد مناقصه‌گرانی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند در تاریخی که کمیسیون تعیین می‌کند مفتوح خواهد شد.
۳. بازدید از محل انجام خدمات روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ ساعت ۱۰:۰۰ در منطقه عملیاتی به آدرس مندرج در کتابچه انجام خواهد شد.
۴. جلسه توضیح اسناد مناقصه روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ ساعت ۱۰:۰۰ در ستاد کرمانشاه انجام خواهد شد.
۵. مبلغ برآورد اولیه و تقریبی مناقصه و محل تأمین اعتبار: ۱،۸۵۹،۴۸۸،۱۳۳،۰۴۸ ریال منابع داخلی
۶. نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: یکی از تضامین معتبر مطابق با بند الف ماده ۶ آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی به مبلغ ۵۴،۲۸۹،۷۶۲،۶۶۱ ریال
۷. نوع و کیفیت و کمیت خدمات: خدمات حراست و نگهبانی از تأسیسات و اماکن در منطقه عملیاتی چشمه خوش به شرح مندرج در اسناد مناقصه.
۸. محل و مدت اجرای خدمات: در استان ایلام به مدت ۱۲ ماه شمسی
۹. پیش پرداخت: به میزان پانزده درصد نرخ پیشنهادی پیمانکار برنده در مقابل ارائه تضمین معتبر مطابق با بند پ ماده ۶ آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی.
۱۰. مدارک و مستندات الزامی جهت ورود به فرآیند ارزیابی کیفی (در صورت عدم بارگذاری هریک از مدارک ذیل مناقصه‌گر از فرآیند ارزیابی کیفی کنار گذاشته می‌شود)
۱۰-۱. بارگذاری گواهی تعیین صلاحیت معتبر و مرتبط با موضوع مناقصه از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (حداقل رتبه ۴) یا گواهی تعیین صلاحیت مؤسسات حفاظتی و مراقبتی از فراجا
۱۰-۲. بارگذاری مدارک حقوقی شرکت شامل: کد اقتصادی، شناسه ملی، اساسنامه، آگهی تأسیس و آگهی معتبر آخرین تغییرات هیأت مدیره
۱۰-۳. بارگذاری صورت‌های مالی حسابرسی شده معتبر همراه با گزارش حسابرس مستقل و حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا جامعه حسابداران رسمی منتهی پایان به سال ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳ (یا قابل رؤیت در سامانه جام/پردیس)
۱۰-۴. دارای تأییدیه صلاحیت از سازمان حراست صنعت نفت
۱۰-۵. بارگذاری فرم استعلام ارزیابی کیفی تکمیل شده و مدارک و مستندات مربوطه
تذکر۱: در صورتی که مدارک مذکور از طریق سامانه‌های مربوطه قابل استعلام باشند، مورد قبول قرار خواهند گرفت.
تذکر۲: کلیه ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک‌های پاسارگاد و سپه مورد قبول قرار نخواهند گرفت.
۱۱. اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: آدرس: کرمانشاه-میدان نفت-بلوار زن-پلاک ۴۲-کدپستی ۶۷۱۴۶۷۷۷۴۵-دبیرخانه کمیسیون مناقصات
مرکز تلفن ۳۳۱۱۰۰۰۰-۰۸۳/دبیرخانه کمیسیون مناقصات (داخلی ۲۵۱۵)
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱/دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب

ادامه از صفحه اول

تا اینجا هم مسبوق به سابقه است و نیاز به تحلیل یا تجلیل ندارد. هم بازداشت افراد پیشینه دارد و گاه به آزادی و تبرئه و استمالت و جبران انجامیده و گاه به حبس و رنج و حرمان. هم صدور بیانیه با امضاهای به مراتب بیشتر و حتی با لحن تندتر که گاه اسباب دردسر خود امضاکنندگان و معترضان هم شده است. این قصه اما از یک منظر متفاوت است و وجه ممدوح آن در همین تفاوت اسـت و آن هم این که بازداشت‌شده‌ها با گرایش چپ و ضداقتصاد آزاد شناخته می‌شوند حال آن که امضاکنندگان از سرشناسـان دفاع از اقتصـاد آزاد و به بیان روشن‌تر شهره به لیبرالیسم هستند. به بیان دیگر جمعی لیبـرال و هـوادار اقتصـاد آزاد خواسـتار آزادی شـماری از صاحب‌نظران با گرایش چپ و ضدلیبرال شده‌اند. اگر تا قبل از این اتفاق بنا بر یک مناظره میان یکی از بازداشت‌شـدگان در یـک طـرف و یکی از امضاکننـدگان در سـوی دیگر بود بعید نبود کار به مشـاجره هم می‌کشـید هرچنـد انصاف می‌باید داد لیبرال‌ها دسـت کم از حیـث ظاهر مداراجوتر و خویشتن‌دارترند تا رفقای چپ و این البته خاصیت ایدیولوژی اسـت که دُز تعصب هـواداران و پیـروان خـود را چنان بالا می‌برند کـه یارای تحمل‌شـان کاسـتی می‌گیرد. اکنون اما فارغ از اختلاف نگاه تصریح می‌کنند: «آزادی بیان، ضرورتی اخلاقـی و شـرطی بنیادین برای پیشـرفت جامعه اسـت. برخورد امنیتی با اهل قلم و بازداشت آنان صرفاً به دلیل ابراز عقیده اقدامی ناپذیرفتنی و مغایر با اصول اخلاقی و حقوق شـهروندی است.» دقت و ملاحظه تنظیم‌کننده/کنندگان متن بیانیه تا حدی بوده که ادبیات رسمی را هم رعایت کرده و به جای واژه «توسعه» از کلمه «پیشرفت» استفاده کرده‌اند که در نگاه رسمی هم جای توسعه نشسته و دیروز در مجلس دیدیم همه به جای توسـعه می‌گفتند پیشرفت. در ادامه با نام بردن از ۵ نفر به عنوان فعالان رسانه‌ای پایگاه نقد اقتصاد سیاسی اتفاق رخ‌داده را قابل قبول ندانسته و در پایان البته تصریح کرده‌اند: دفاع از حقوق انسانی و آزادی بیان افراد به معنی تأیید همه مواضع آنان نیست. کل قصه همین است. شما می‌توانی با مواضع و دیدگاه‌های کسی یا کسانی یا حزبی مخالف باشی اما این به معنی آن نیست که خواستار حذف و حبس و توقیف آن باشی. در همان گیر و دار بحث بر سر فیلم «پیرپسر» دوستی نقدی نوشته و کاستی‌های آن را برشمرده بود و کم مانده بود جایی منتشر کنم با آن که خود فیلم اکتای براهنی را دوست دارم و پسندیدم. شتابان و ناگهان اما پیام داد: منتشـر نکنید! وقتی پرسـیدم چرا؟ پاسـخ داد: به دو دلیل: یکی آنچه منتقد سرشناسی با الفاظ ناشایست درباره فیلم گفته و دیگری شایعه توقیف و من نمی‌خواهم هم‌زبان او و شریک اتفاق محتمل باشـم. پس وجه اول این است که دفاع از آزادی بیان و محبـوس نبودن بدون حکم آنان الزاماً مساوی یا مسـاوق تأیید نظرات آنان نیسـت. دوم این که بر سـیاق سـخن مولانا - «خوش‌تر آن باشد که سـرِ دل‌بران، گفتـه آید در حدیـث دیگران» -می‌توان گفـت خوش‌تر آن باشـد که در وقت گرفتاری رقیبان و منتقـدان دیروز هم به حـرف آیند وگرنه رفقا و هم‌فکران که جای خود دارد و در این قضیه هم اگر جمع دیگری از فعـالان چپ بیانیه می‌دادند نیاز به تحلیل و تجلیل نداشـت. نمی‌دانیـم اگر کرونا دکتر فریبرز رئیس‌دانا را از ما نگرفته بود نام او در میان بازداشتی‌ها بود یا بیانیه‌ای که خواسـتار آزادی می‌شـد و چه‌بسا به‌رغم گرایش چپ همراه اقتصاددانان لیبرال امضا می‌کرد زیرا در آزادی‌خواهی سیاسـی دست کمی از آنها ندارد. وجه غالب بازداشـتی‌ها و امضاکنندگان اما نسـبت آنان با رسانه است تا جایی کـه برخی به صفت روزنامه‌نگار شناخته‌شـده‌ترند تا پژوهشگر یا با رسـانه‌های اقتصادی ارتباط دارند یا به آنان مشـاوره می‌دهند و حداقل این است که از نام و اعتبارشان در شورای سیاست‌گذاری بهره می‌برند؛ شوراهایی که غالباً تشکیل نمی‌شود اما نشـان‌دهنده گفتمان غالب است. به روزنامه‌نگاری و فعالیت حرفه‌ای اشـاره شـد. خالی از لطف نیسـت که یادی کنیـم از این جمله مشـهور و ضرب‌المثل شده «کی یر که گور» که در مقام تحقیر و تخفیف گفته بود: «روزنامه‌نگاری، دست‌فروشـی افکار است». مراد او این بود که روزنامه‌نگاران آرا و اندیشه‌ها را از کتابخانه‌ها و آکادمی‌ها و محافل فکری به میانه جامعه می‌آورند و بساطی می‌گسترانند که از نگاه او دون شأن اهل تفکر بود. حال آن که روشن شده هر اهل فکر و حتی هنر و شـعر که با رسـانه ارتباط داشـته کام‌یاب‌تر بوده است. چندان که دکتر شفیعی کدکنی از احمد شـاملو به عنوان مختلف‌الاضلاعی یاد می‌کند که تنها یک ضلع او شـعر بود و وجه روزنامه‌نگاری او را پررنگ می‌داند و از دلایل رواج و اثرگذاری شـعر او. آیدین آغداشلو - هنرمند نقاش - نیز بارها گفته بود اگر در انزوا گرم نقاشـی بود و اهل نوشتن و با نشـریات و رسـانه‌ها مرتبط نبود چون بسیاری دیگر از نقاشـان محکوم به گم‌نامی بود. روزی هم از مترجم فقید - بیژن اشتری - در فروشگاه نشر ثالث شنیدم که گفت یکـی از مهم‌ترین دلایل فروش و تجدید چاپ کتاب‌های من چند مجله‌ای هستند که آثار مرا معرفی و حتی نقد می‌کنند و شگفت‌زده بود از این که غالباً گرایش لیبرالی و ضدچپ هم دارند و به حساب سـوابق روزنامه‌نگاری خود می‌گذاشت و کاش زنـده بود تا ببینیم با آن همه اثر علیه رهبران چپ چه موضعی داشـت؛ اگرچـه او آثاری علیـه دیکتاتورهای چپ را ترجمـه کـرده بود و با متفکران چپ مشـکلی نداشـت. شاید اگر این جمع به بحث‌های محفلی بسنده می‌کردند و بساطی در رسانه نمی‌گستردند دچار مشکل نمی‌شدند و با این نگاه امضاکنندگان از موضع رسانه از هم‌صنف‌های خود دفاع کرده‌اند. سـکوت دو اقتصاددان مشـهور به نهادگرا و عدالت‌خواهی هم جای شگفتی دارد. از دکتر فرشاد مؤمنی و دکتر حسین راغفر انتظار نمی‌رود کنار موسی غنی‌نژاد و محمد طبیبیان بیانیـه‌ای را امضا کنند اما با توجه به این که حساسیت به آنان به مراتب کمتر است انتظار افزون‌تر است و شاید بی‌سـروصدا در حال رای‌زنی‌اند تا مشکل حل شود. باری، غرض این که امضای لیبـرال برای آزادی چپ‌ها لطف دیگری دارد اگرچه اشتراکات فراوان است ولو یکی عدالت را در توزیع فرصت‌ها و کاهش دخالت دولت بداند و دیگری نگاه متفاوتی داشته باشد و از دخالت دولت به شرط دموکراتیک بودن دفاع کند. جدای اینها اصل قصه همان است که از زبان دیگران مقبول‌تر اسـت؛ خاصه وقتی کـه دیگری به لحاظ فکری «دیگری» باشند.